



دشمن اگر می‌تواند در تشیع ایجاد شبهه کند از چهل ماست/ علم به دین از اوجب واجبات است

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود با بیان اینکه علم به دین از اوجب واجبات است، نسبت به وجود افرادی در مدارس و دانشگاه‌ها برای ایجاد شبهه در تشیع هشدار داد و گفت: متأسفانه دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، این علم دین را به ما نمی‌دهند.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود با بیان اینکه علم به دین از اوجب واجبات است، نسبت به وجود افرادی در مدارس و دانشگاه‌ها برای ایجاد شبهه در تشیع هشدار داد و گفت: متأسفانه دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، این علم دین را به ما نمی‌دهند. آن علمی که آنها می‌دهند، مربوط به دنیای ماست و اگر دشمن می‌تواند در تشیع ایجاد خدشه و شبهه کند، از چهل ماست اگر به راستی ما جاهل نباشیم، شبهه دشمن پوچ است و هیچ ارزش ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن سخنان جلسه هفتگی درس اخلاق آیت الله مظاهری با عنوان تعلیم و تعلم مانع سقوط انسان (قسمت پنجم) در پی می‌آید:

بحث امسال ما از نظر اخلاقی، بحث فوق العاده مهمی است. بحث این بود که چه کنیم سقوط نکنیم، چه کنیم عاقبت به‌خیر شویم، چه کنیم سعادت دنیا و آخرت را تأمین کنیم؟! در این باره صحبت‌هایی شد. صحبتی که این جلسه پنجمین جلسه آن است، این بود که باید عالم به دین شویم. اگر کسی به احکام دین جاهل باشد، عاقبت به‌خیر نخواهد شد و نمی‌تواند راه مستقیم اسلام را بیپیماید و حتماً سقوط است. لذا همه ما باید عالم به دین و آشنا به احکام و اعتقادات و اخلاق اسلام عزیز باشیم. همه ما و مخصوصاً جوان‌ها باید در این باره کار کنند. از نظر اعتقادات، اعتقادات ارزنده‌ای داشته باشند. بدانند که تشیع چه می‌گوید و اعتقاد به آن نیز، با دلیل و برهان داشته باشند. علاوه بر این باید احکام اسلام را بدانند. اسلام عزیز راجع به گفتار و کردار ما از قبل از اینکه متولد شویم تا وقتی بمیریم، حکم دارد. باید آشنایی کامل به رساله مرجع تقلید داشته باشیم. باید بدانیم همه ما صفات رذیله داریم و هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید من صفت رذیله ندارم، مگر اینکه جداً کار کرده باشد و درخت رذالت را از دل کنده باشد و درخت فضیلت به جای آن غرس کرده باشد و کاشته باشد و بارور کرده باشد و از میوه آن شجره طیبه هم خود استفاده کند و هم دیگران؛ به این احکام دین می‌گویند و در این چند جلسه فهمیدیم که علم به دین از اوجب واجبات است.

هیچ واجبی را نمی‌توانید مهم‌تر از این واجب پیدا کنید. از نماز و روزه و خمس و زکات و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری واجب‌تر، یادگرفتن دین یعنی اعتقادات و احکام و اخلاق اسلام است. و همه باید بدانیم که اینها را دبستان و دبیرستان و دانشگاه به ما نمی‌دهد، البته باید بدهد، زیرا نظام ما جمهوری اسلامی است و باید از دبستان شروع شود و بعد در دبیرستان ترم‌هایی باشد و در دانشگاه ترم‌هایی باشد، اما بالاخره در وضع فعلی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها این احکام دین را به ما نمی‌دهند. متأسفانه یک شیطان‌هایی هم حتی در دبستان‌ها پیدا شده که دین آباء و اجدادی ما و تشیع ما را زیر سوال می‌برد و خدشه دار می‌کند و ایجاد شبهه می‌کند. از این جهت هم واجب مؤکد می‌شود و دو برابر می‌شود. از یک جهت باید عالم به دین باشیم و از یک جهت هم باید مواظب دشمن و مواظب شبهات باشیم. مواظب حرف‌های خرافی باشیم و متأسفانه دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، این علم دین را به ما نمی‌دهند. آن علمی که آنها می‌دهند، مربوط به دنیای ماست و خوب است و باید باشد و ما از نظر اسلام عزیز «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» [1]، باید حرف اول را در دنیا بزنیم. از نظر اختراع، از نظر صنعت و از نظر اسلحه باید حرف اول را بزنیم و اینها از دبستان و دبیرستان و دانشگاه‌ها باید گرفته شود. لذا برسیم به آنجا و به ما بدهند، بالاخره دانشگاه دنیای ما را به ما می‌دهد. اما آخرت ما را خود باید تأمین کنیم. مطالعه کتاب می‌خواهد و در آن جلسات گفتم الحمدلله کتاب‌های دینی مربوط به تشیع زیاد نوشته شده است. هم برای اثبات تشیع، هم برای رد شبهات، بیش از یک میلیون کتاب داریم، کتاب‌های فوق‌العاده ارزنده، هم عربی و هم فارسی.

در جلسات قبل می‌گفتم نمی‌خواهد مثل دبیرستان و دانشگاه شبانه روز وقت خود را روی آن بگذارید تا عالم به دنیا شوید، بلکه دو ساعت در روز راجع به دین کار کنید، عالم به دین می‌شوید، و این باید باشد. حتی در این جلسات به جوان‌ها گفتم و الان هم بگویم یک روایت داریم که کمرشکن است:

«لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعِ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْتَاهُ وَ شَبَابِهِ فِيمَا أَلْبَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» [2] در روز قیامت یک بازپرسی قبل از حساب و کتاب هست. در آن وقتی که همه در محشر جمع شدند و پروردگار عالم همه را در محشر جمع کرد، قبل از حساب و کتاب یک بازپرسی هست. اینکه عمر را در چه مصرف کردی و جوانی را در چه از بین بردی؟! باید بتواند جواب دهد که در 24 ساعت لاأقل دو ساعت را صرف دین و آخرتم کردم. اگر جواب ندهد، جلو نمی‌رود. حساب و کتاب از کسی است که در این بازپرستی رفوزه نشود. گفتم روایت وحشتناک است و انسان به وحشت می‌افتد و متأسفانه الان در این جلسه ما که جلسه مقدسی است، پامنبری‌ها و مقدس‌ها و انقلابی‌ها. در بین شما پیدا نمی‌شود که دو ساعت صرف علم دین، صرف احکام و اخلاق و اعتقادات کنید. اگر دو سه سال صرف این شود، همه آشنا می‌شوید هم به احکام اسلام و هم به اخلاق اسلام و هم به اعتقادات اسلام و آنگاه شیطان‌ها نمی‌توانند شما را فریب دهند و ایجاد شبهه کنند. من بارها در جلسه گفته‌ام اگر دشمن استفاده می‌کند و می‌تواند ایجاد شبهه کند و می‌تواند تشیع ما را خدشه دار کند، از چهل

ماست. اگر به راستی ما جاهل نباشیم، شبهه دشمن پوچ است و هیچ ارزش ندارد. ما جاهلیم و وقتی جاهلیم می‌رسد به آنجا که شیطان انسی راجع به حجاب زنها که بیست آیه هست، خدشه می‌کند. این دختر خانم احساساتی هم قبول می‌کند، زیرا جاهل است. اگر جاهل نبود و عالم به علم قرآن بود و اگر می‌دانست که بیست آیه یا صد آیه و روایت بیشتر راجع به حجاب هست و می‌فهمید که این عفاف و حجاب یعنی چه، آنگاه شیطان انسی نمی‌توانست او را فریب دهد. پس شیطان از جهل ما استفاده می‌کند.

این جهل منقسم می‌شود به سه قسم که باید هر سه قسم نباشد. گفتیم از اوجب واجبات است، کمی همت به خرج دهید و کمی از کارهای اضافی و بیهوده که فشار قبر دارد، کنار بگذارید. کمی فیلم‌های زننده را کنار بگذارید، مقداری حرف‌های مالایعنی و حرف‌های بیهوده و جلسات یک ساعت دو ساعته بیهوده را کنار بگذارید. آنگاه همه عالم به دین می‌شوید و آشنایی کامل به دین دارید. همه می‌رسید به آنجا که شیطان انسی روی شما کاربرد ندارد. قرآن راجع به شیطان جنی می‌فرماید: اگر به راستی مؤمن باشید، آن شیطان جنی کاربرد روی تو ندارد. إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِمَشْرُوكٍ [3] شیطان روی مؤمن و روی کسی که جدّاً پناهش خداست، هیچ کاربردی ندارد.

قرآن می‌فرماید کاربرد شیطان آن وقت است که تو زیر پرچم او بروی. این بدجنس در وقتی رانده درگاه خدا شد، همین را گفت که همه را نابود می‌کنم و همه را گمراه می‌کنم به جز مخلص را: «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» [4] اگر مؤمن واقعی شد، اگر به راستی متقی شد، اگر زیر پرچم خدا شد و وقتی زیر پرچم خدا رفت، مخلص می‌شود و شیطان گفته نمی‌تواند روی او کاربرد داشته باشد. این راجع به تقوا و راجع به شیطان جنی است. همچنین اگر جدّاً ما متقی باشیم، در آنجا که شیطان‌های انسی بخواهند ما را گول بزنند، خدا به ما کمک می‌کند، و اصلاً معنای «اهدنا الصراط المستقیم» یعنی همین که خدا با کمک کن که یک مرتبه گمراه نشوم. این راجع به تقواست.

راجع به علم نیز همین است. ما اگر دو سه ساعت در شبانه روز کار کنیم، آنگاه شیطان انسی و جنی نمی‌تواند روی ما کاربرد داشته باشد. اصلاً جرأت ندارد ایجاد شبهه کند. اگر شما می‌بینید که در دانشگاه‌های ما بعضی اوقات بی‌ادبها ایجاد شبهه می‌کنند، از جهل ما استفاده می‌کنند و از سکوت ما و بی‌عرضگی ما جرأت پیدا کردند، وقتی جاهل باشیم و تابع او باشیم و وقتی ایجاد شبهه می‌کند به او بارک الله بگوییم، معلوم است که جرأت پیدا می‌کند و اما اگر به راستی عالم به دین باشیم، جرأت ندارد ایجاد شبهه کند. تشیع بچه بازی نیست و تشیع به قول قرآن شجره طیبه قرآن است و قرآن تشیع را معنا می‌کند: «كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء، تؤتي أكلها كل حين إذا رزقا» [5]؛ ریشه فوق‌العاده محکم است، شاخه‌ها فوق‌العاده بارور است، میوه‌ها فوق‌العاده شیرین است. حال اگر شبهه‌ای می‌شود، بدانید از جهل ماست.

شیطان انسی و شیطان جنی از جهل ما استفاده می‌کند و ایجاد شبهه می‌کند. این جهلی که شیطان انسی و شیطان جنی استفاده می‌کند، منقسم می‌شود به سه قسم: به یک قسمتش جهل تقصیری می‌گویند. همین بحثی که ما الان کردیم. جاهل مقصر کسی است که باید راجع به دین به احکام و اخلاق و اعتقادات آشنا باشد، اما تقصیر می‌کند و به دنبال این کار نمی‌رود و حسابی به دنبال دنیا است و اصلاً مثل اینکه غیر از این چیزی نیست: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» [6] به عنوان مثال، دانشگاهی است و کم کم رسیده به آنجا که می‌خواهد دکترا بگیرد، اما راجع به دین جاهل است. باید از منبرها و از کتاب‌ها و از روحانیت استفاده کرده باشد و عالم به دین شده باشد اما نشده، پس جاهل مقصر می‌شود.

این یک قسمت است که بحث ما تا اینجا راجع به جاهل مقصر بود و گفتیم همه ما باید راجع به احکام دین عالم باشیم. اما نه تنها خودمان بلکه قرآن می‌فرماید خودت و زن و بچه‌ات. این آیه در قرآن تکرار شده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» [7] ای مسلمان! خودت و زن و بچه‌ات را از آتش جهنم نجات بده. لذا ما فقط وظیفه نداریم پای منبر بنشینیم و احکام دین را یاد بگیریم، بلکه وظیفه داریم به اولادمان هم دین بیاموزیم. باید بچه هفت ساله ما نماز صحیح بخواند و طهارت عالی داشته باشد و اخلاق انسانیت داشته باشد و جر و بحث با خواهرش نکند و خوب عاطفه داشته باشد و باید خداشناس و معادشناس هم باشد.

ما دو وظیفه داریم، هم خودمان و هم زن و بچه‌مان؛ لذا این جوان‌ها علاوه بر اینکه وظیفه سنگین راجع به علم دین دارند، پدر و مادرشان نیز وظیفه سنگین راجع به یاد دادن به علم دین دارند. نگویید مشکل است. خیلی از شما چون به دخترتان علاقه دارید، تا اینکه می‌بینید این دختر امسال کمی از نظر نمره کم است، ولو چیزی هم ندارید، اما برای او استاد خصوصی می‌گیرید و دبیر را می‌بینید و التماس می‌کنید که نمره‌هایش خوب شود. این کار خوبیست، اما راجع به دنیای دخترمان اینطور هستیم و اما آیا این دختر احکام زنانه را می‌داند یا نه؟ چه رسد به حجاب اسلام! آیا می‌داند حجاب اسلامی یعنی چه و قرآن راجع به حجاب اسلام چه گفته یا می‌داند حضرت زهرا(س) را که تا سرحد عشق دوست دارد، حجابش چگونه بوده است؟!

یا اینکه برای پسران زحمت می‌کشید و چقدر دعا و التماس به خدا تا اینکه دانشگاه قبول شود و وقتی دانشگاه قبول شد، جشن می‌گیرید و چقدر مواظبت کامل از این پسر دارید تا نمره‌هایش خوب شود و وقتی نمره‌هایش خوب شد، جایزه می‌دهید. همه اینها خوب است و باید تشکر کرد از کسی که اینگونه مواظبت کامل از پسر و دخترش دارد، اما این پسر شما آیا اعتقاداتش درست است؟! تشیع یک اعتقاد است. آیا می‌داند ولایت یعنی چه! آیا می‌داند این ولایت شجره طیبه قرآن است؟! این پسر شما معاد جسمانی را می‌داند؟! خداشناسی و دلیل بر خداشناسی و مسائل اعتقادی را می‌داند؟! اگر نمی‌داند هم تقصیر خودش و هم تقصیر پدر و مادر است. روایت زیاد هست و الان آیه را خواندم که راجع به دنیا خیلی کوشا و اما راجع به آخرت خیل کند هستیم.

قرآن سه - چهار تأکید هم دارد که ای شیعه! باید به فکر دنیا باشی اما چرا به فکر آخرت نیستی؟! چرا احکام دین را خود و پسر

و دخترت نمی‌دانید؟! چرا پای منبرها خلوت است؟! چرا یک استاد خوب راجع به دین ندارید؟! چرا کتاب‌های دینی مطالعه نمی‌کنید؟! و این جاهل مقصر است. روایتش را خواندم و گفتم در روز قیامت خطاب می‌شود که این اعمال چه بود که به جا آوردی و یا چرا به جا نیاوردی؟ می‌گویند نمی‌دانستم و خطاب می‌شود که چرا نرفتی یاد بگیری؟ و ما گیریم، و خیلی کم پیدا می‌شود که هم خودش و هم زن و بچه‌اش آشنا به تشیع باشند.

گاهی نیز جهل مقصر نیست بلکه جهل تردیدی است. مثل خیلی از جوان‌ها که اصلاً نمی‌دانند چه خبر است و اصلاً راجع به خدا مردد است. اگر دعایش مستجاب شود و دنیایش خوب باشد، از خدا تشکر می‌کند و نماز می‌خواند و اگر یک گرفتاری برایش جلو بیاید، ناگهان منکر خدا و پیغمبر و ائمه طاهرين می‌شود و حتی می‌رسد به آنجا که العیاذبالله بد می‌گوید. این حالت تردید اگر از جهل مقصر بدتر نباشد، کمتر نیست: «مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ» [8]

اما آنچه فوق‌العاده خطر دارد و خطرش از هر انفجار و بمبی بالاتر است، جاهل قاصر است. کسی که اشتباه رفته، اما یقین دارد که درست رفته است و به این جاهل قاصر و جهل مرکب می‌گوییم و این خیلی خطر دارد. آیا می‌دانید خطرش چه اندازه است! به قول جرداق نصرانی در کتاب «الامام علی» یک جمله دارد که خیلی شیرین است. می‌فرماید گاهی انسان می‌رسد به آنجا که ولی خدا را در خانه خدا قربه‌الی‌الله می‌کشد. به این جاهل قاصر می‌گویند. شمشیر به فرق امیرالمؤمنین (ع) می‌زند قربه‌الی‌الله.

الان استکبار جهانی این القاعده را فریب داده‌اند. البته به توسط آخوندهای بی سواد و سنی‌ها و بالاخره اینها گول خورده‌اند. فریبشان رسیده به اینجا که شکم جوان بی‌گناه که گناهی ندارد جز تشیع، پاره می‌کند و جگر او را بیرون می‌کشد و در میان مردم جگر را می‌خورد. به این جاهل قاصر می‌گویند. یعنی صددرصد به راه خطایی می‌رود و صددرصد تخیل می‌کند که درست است و از این موارد زیاد داریم. هم تندروها جاهل قاصرند و هم کندروها و متحجرها جاهل قاصرند، و ضررشان خیلی بالاست. این جاهل قاصر از این پیدا می‌شود که راجع به تشیع کار نکرده‌اند. اینکه تشیع چیست، اسلام عزیز چیست، اعتقاداتش چیست و احکامش چیست؟ یا مراجع تقلید چه می‌گویند و در رساله‌ها چه نوشته شده است و اخلاق اسلام چه می‌گوید؟ و چون کار نکرده‌اند، کم کم گروه فرقان پیدا می‌شود. گروه فرقان همین بود که جوانکی به عنوان طلبه ده بیست نفر را دور خود جمع کرد و در عرض یکی دو ماه گروهی به نام «گروه فرقان» تشکیل داد و اول نتیجه آن شهادت مرحوم آیت الله مطهری بود. مگر شهید مطهری چه کرده بود؟! خدا نکند انسان جاهل قاصر باشد.

همین منافقین در اول خیلی جانماز آب می‌کشیدند. چه نمازها و چه ارادت‌ها و چه حرف‌ها و اما ناگهان رسید به آنجا که با یک بمب هزار نفر از جوان‌ها و مسلمان‌ها را در نماز جمعه و یا غیر نماز جمعه می‌کشد. امان از این تند، امان از این کند و اما امشب بحث ما تند و کند نیست، بلکه بحث ما راجع به جهل قاصر است. وای به جهل قاصر که آن جاهل قاصر منافق و گروه فرقان درست می‌کند و در وضع الان ما القاعده را درست می‌کند. امریکائی‌ها خیلی عالی لشکر مجهز درست کردند. یعنی خودمان را به جان یکدیگر انداختند و حرف‌ها قبول نمی‌شود و آنچه قبول می‌شود القاعده و طالبان درست می‌شود و چه کشت و کشتارهایی قربه‌الی‌الله می‌شود. این جمله جرداق نصرانی خیلی عالیهست. انسان گاهی به اینجا می‌رسد که ولی خدا را در خانه خدا، قربه‌الی‌الله می‌کشد.

درباره خوارج نهروان می‌گویند قبل از اینکه جنگ شروع شود، یک دسته از آنها می‌رفتند و یک شیعه با زن آبستن او رسید. جلو آمدند و فهمیدند که این شیعه است. خنجر را کشید و در مقابل زن، مرد را کشت و بعد در مقابل زن آمد و خنجر را کشید و بچه را بیرون آورد. یعنی اول از او سوال کرد که بچه دختر است یا پسر است و او گفت نمی‌دانم. بالاخره بچه را بیرون کشیدند و در مقابل مادری که می‌مرد، گفت این بچه پسر است. این مسلمان دواًتیشه است و پینه هم به پیشانی او هست، اما می‌رسد به آنجا که این کشت و کشتارها را می‌کند. الان این القاعده بدتر از این هستند و این از جهل قاصر پیدا می‌شود.

نمی‌خواستم در این باره صحبت کنم اما صحبت آمد و الان که صحبت آمد تقاضا دارم از جوان‌ها که تند افراطی غلط است و از مردهای مفسن مسجدی‌ها تقاضا دارم که کند افراطی غلط است و حد توسط درست است. در حد توسط قاطعیت داشته باشید، آنگاه جمهوری اسلامی سعادت می‌شود و غلبه بر دشمن، ولو استکبار جهانی باشد و می‌شود مانند آن هشت سال جنگ که با دنیا جنگیدیم و دنیا می‌خواست براندازی کند و هیچ غلطی نتوانست بکند. این بسیجی‌ها در جبهه نه کند و نه تند و اما در حد توسط بودند و با قاطعیت صد در صد.

_پی‌نوشتها

1. الأنفال، 60

2. الأملی (لِلصِّدْق)، ص 39

3. النحل، 99 - 100

4. ص، 83

5. إبراهيم، 24 - 25

6. الروم، 7

7. التحريم، 6

8. النساء، 143